

تحلیل پایداری اجتماعی اثرات توسعه صنعتی منطقه ویژه پارس جنوبی در بخش عسلویه

دکتر سیدحسین صدوق^۱، دکتر ژایلا سجادی^۲ و سید نورالدین امیری^۳

چکیده

سنجش و ارزیابی مستمر از تغییرات و پیامدهای اجتماعی ناشی از فعالیتهای عظیم صنعتی کارگری چون نفت و گاز در مراکز جمعیتی پیرامونی آن، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر در کاهش پیامدهای منفی اجتماعی به‌عنوان موانعی در تحقق پایداری اجتماعی و امنیت این فعالیتهای می‌باشد. چرا که هجوم جمعیت مردان جویای کار از نقاط مختلف، با ویژگیهای متفاوت می‌تواند علاوه بر تأمین نیروی انسانی موردنیاز عاملی در بروز مسائل اجتماعی در مقصد شود. مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به ارزیابی اثرات اجتماعی فعالیتهای صنعتی پارس جنوبی در مراکز جمعیتی بخش عسلویه پرداخته است. در این راستا از داده‌های رسمی موجود و داده‌های جمع‌آوری شده میدانی نیز استفاده شده است. جامعه نمونه تعداد ۲۰۰ سرپرست خانوار بوده است. جهت نتیجه‌گیری بهتر از روش تحلیل عاملی برای تلفیق متغیرهای موردنظر استفاده گردیده است. نتایج تحقیق در مرحله توصیفی تأثیر ورود جمعیت مهاجر در تغییرات شدید ویژگیهای جمعیتی این بخش را نشان می‌دهد. اما بررسی دقیق‌تر مبتنی بر ارتباط و همبستگی میان شاخص‌های مورد بررسی نشان می‌دهد که تغییرات در ویژگیهای جمعیتی برخلاف انتظار عامل پایداری اجتماعی نیز در محدوده نبوده است. با توجه به اهمیت این صنایع پیشنهاد اصلی این مقاله بر ضرورت بررسی و تحلیل مستمر و دقیق تغییرات جمعیتی-اجتماعی جهت سنجش و کنترل پیامدهای منفی توسعه این صنایع در برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیریهای آتی آن تأکید دارد.

کلیدواژگان: توسعه اقتصادی، مهاجرت، تغییر اجتماعی، منطقه ویژه اقتصادی پارس جنوبی.

۱. دانشیار گروه جغرافیای دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی

۲. استادیار گروه جغرافیای دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی

۳. دانش‌آموخته دکتری جغرافیای دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه

شکل غالب تحرکات جمعیتی در کشورهای در حال توسعه، مهاجرت از روستا به شهر با انگیزه کسب درآمد بیشتر شناخته شده است. بنابراین علت اصلی مهاجرت در این گونه کشورها را صرف نظر از نوع سکونتگاه مبدأ و مقصد، می‌توان انگیزه اقتصادی دانست. بدیهی است که در صورت ایجاد پتانسیل اقتصادی بویژه از نظر ایجاد فرصتهای شغلی، در نقاط دور دست و توسعه نیافته و کمتر توسعه یافته، مهاجرتها سمت و سوی دیگری می‌یابند و از فرم روستا - شهری خارج می‌شوند. در چنین شرایطی مناطق کمتر توسعه یافته به یکباره شاهد تحولات بزرگ اقتصادی و جمعیتی و اجتماعی می‌گردند که می‌بایست با آن سازگار شوند. ایجاد چنین سازگاری و انطباقی نیازمند بستر سازی مناسب و تغییر و پذیرش تدریجی است؛ اما معمولاً سرعت تحولات اقتصادی در چنین مناطقی، این فرصت را فراهم نمی‌نماید و در نتیجه منجر به آسیب‌های اجتماعی متعدد می‌گردد. رشد بخش صنعت و معدن یکی از اهداف مهمی است که در چند دهه اخیر در کشور دنبال شده است. یکی از راهکارهای اساسی که در زمینه تحقق بخشی به این هدف و با تکیه بر منابع موجود، توسط سیاست‌گزاران اتخاذ می‌گردد، توسعه صنایع نفت و گاز می‌باشد. منطقه عسلویه در جنوب استان بوشهر نیز به علت نزدیکی به مخزن گازی پارس جنوبی در خلیج فارس، شاهد توسعه صنایع مرتبط با گاز و پتروشیمی می‌باشد. با توسعه صنایع گاز و پتروشیمی و تحولات اقتصادی ایجاد شده در منطقه و ورود نیروی کار مورد نیاز برای این امر، تغییرات شدیدی در ابعاد مختلف جمعیتی و اجتماعی مراکز جمعیتی همجوار این صنایع رخ داده است. اجتماع محلی منطقه عسلویه در یک دوره زمانی نسبتاً کوتاه (از ۱۳۷۷ تاکنون) شاهد تحولات عظیم صنعتی در محیط پیرامونی خود بوده است و از آنجا که نوع صنعت توسعه یافته در این منطقه، هیچگونه سنخیتی با شیوه معیشتی پیشین جامعه نداشته است، فرصت همگام شدن و انطباق با این تحولات برای آنها به حد کافی وجود نداشته و در نتیجه تعارضاتی در زمینه مسائل اجتماعی مختلف در مراکز جمعیتی حادث گردیده است. از جمله این تعارضات می‌توان به آسیب‌های اجتماعی مختلفی مانند بیکاری، اعتیاد (بویژه پایین آمدن سن اعتیاد)، قاچاق مواد مخدر، سرقت، فساد و انحرافات جنسی و اخلاقی، و پرخاشجویی و بروز رفتارهای ضد اجتماعی در منطقه می‌توان اشاره نمود (شرکت ملی صنایع پتروشیمی، ۱۳۸۴). با توجه به موارد مذکور هدف از انجام تحقیق حاضر آنست که ابتدا نقش و تأثیر قابل توجه توسعه صنعتی منطقه ویژه

پارس جنوبی بر تحولات جمعیتی - اجتماعی منطقه عسلویه را اثبات نموده؛ و از سوی دیگر با نمایش ارتباط میان تغییرات جمعیتی و اجتماعی و نیز آسیب‌های اجتماعی ایجاد شده تحت‌تأثیر این تغییرات، بر لزوم بررسی دقیق و تحلیل‌گرایانه از تحولات جمعیتی و اجتماعی مناطق رو به توسعه کشور تأکید نماید. بر این اساس تحقیق حاضر در پی آزمون فرضیات زیر بوده است:

- توسعه صنایع مرتبط با استخراج و بهره‌برداری از مخزن گازی پارس جنوبی در بخش عسلویه، پتانسیل اصلی جذب جمعیت مهاجر به منطقه بوده است.
- ورود جمعیت مهاجر به بخش عسلویه، ویژگی‌های پایداری جمعیتی و اجتماعی این محدوده را دچار تغییرات شدید نموده است.

روش تحقیق

روش تحقیق مقاله حاضر توصیفی - تحلیلی است. داده‌های موردنیاز این تحقیق با استفاده از روش کتابخانه‌ای و میدانی جمع‌آوری شده‌اند. بررسی تطبیقی تغییرات در ویژگی‌های جمعیتی بخش عسلویه بر اساس داده‌های آماری در دو مقطع زمانی ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ انجام گرفته است. انتخاب مقطع مذکور به این دلیل بوده است که در این فاصله تأسیسات عظیم صنعتی پارس جنوبی در منطقه احداث گردیده‌اند. به‌منظور نمایش اثرات و پیامدهای ناشی از تأسیس این فعالیت در ابتدا از روش تحلیل همبستگی (ماتریس ضرایب همبستگی)، وجود ارتباط و شدت آن میان متغیرهای اقتصادی (صنعتی) و جمعیتی و اجتماعی بررسی شده و سپس جهت تعیین دقیق میزان و جهت این روابط، تابع رگرسیون خطی مربوط به هریک تشکیل شده است و تغییرات مورد اشاره بر مبنای آن، تبیین گردیده است. همچنین با توجه به حساسیت موضوع بررسی آسیب‌های اجتماعی ناشی از تحولات جمعیتی - اجتماعی ایجاد شده در منطقه، از طریق پرسش از سرپرست خانوارها با روش نمونه‌گیری تصادفی و طراحی سوالات باز و بسته صورت گرفته است. برآورد جامعه نمونه از طریق فرمول "کوکران" با سطح اطمینان ۹۵ درصد (۲۰۰ نمونه) بوده است. در نهایت جهت آزمون فرضیات تحقیق و با توجه به تعدد متغیرها و شاخص‌های مورد بررسی، از روش تحلیل عاملی (Factor Analysis) برای تلفیق متغیرهای مورد نظر استفاده گردیده است.

مبانی نظری تحقیق

رشد اقتصادی به گسترش و فزاینده‌گی شبکه‌های تولیدی مبتنی بر صنایع یا اقتصاد ناحیه‌ای و به تبع آن افزایش فرصت‌های اشتغال و درآمد اشاره دارد (Fik, 2000, 22). اما توسعه اقتصادی می‌بایست با توسعه در ابعاد دیگری نظیر ابعاد اجتماعی و محیطی نیز همراه گردد. در واقع توسعه باید با تکیه بر توانهای ناحیه محیط اجتماعی - اقتصادی پایداری را جهت جذب سرمایه‌گذاری فراهم آورد (Ibid, 24) و با ایجاد تغییرات اساسی کیفی در ساخت اجتماعی، سیاسی، فرهنگی گذار به توسعه و کیفیت نیروی انسانی موجب ارتقاء کیفیت زندگی افراد جامعه گردد. اگر چه فرض بر این است که توسعه اقتصادی همواره برای بهتر شدن است، ولی باید پذیرفت که می‌تواند پیامدهای منفی، به‌ویژه در صورت نبود برنامه‌ریزی دقیق نیز به دنبال داشته باشد (Potter, Binns, Elliott and Smith 2008, 43). از جمله این پیامدها، تغییرات شدید جمعیت در نتیجه هجوم بی‌رویه جمعیت مهاجر و مسائل اجتماعی ناشی از آن است. طبق نظر تودارو مردم در وهله اول به دلایل اقتصادی مهاجرت می‌کنند (پاپلی‌یزدی، ۱۳۸۲: ۲۳۳). در واقع مهاجرت معمولاً از حوزه‌هایی که در آنها فرصت‌های شغلی کمتری وجود دارد به طرف حوزه‌هایی که دارای امکانات شغلی بیشتری است، صورت می‌گیرد (تودارو، ۱۳۷۰: ۲۲). بین شهرنشینی، صنعتی شدن، مدرنیته و روند کلی انواع مختلف مهاجرت ارتباط زمانی و فضایی وجود دارد (Johnston, 2000: 380). مهاجرت دارای پیامدهایی نظیر توسعه فیزیکی شهرها، رشد حاشیه‌نشینی، جوانی جمعیت‌های حاشیه شهری، افزایش هزینه‌ها و مخارج شهرهای مهاجرپذیر می‌باشد (مؤمنی‌کاشانی، ۱۳۶۹: ۸۲-۵۹). با توجه به اینکه مهاجرت بیشتر در میان جوانان (گروه سنی ۱۵ تا ۲۹ سال) مجرد مرد رخ می‌دهد، از نظر ترکیب سنی، جنسی، قومی نیز در جمعیت تحولاتی ایجاد می‌کنند (Fik, 2000: 174). مفهوم دیگری که در ارتباط با بحث مهاجرت در اثر توسعه صنعتی، می‌توان مطرح نمود، پدیده هجوم اکولوژیکی است (شکویی، ۱۳۷۲: ۳۰). پدیده هجوم اکولوژیکی بعضاً در پی احداث مؤسسات صنعتی ایجاد می‌گردد و از طریق هجوم کارگرانی که مایلند در مجاورت محل کار خود سکونت داشته باشند شکل می‌گیرد. این وضعیت زمانی بحرانی می‌شود که با افزایش تعداد و وسعت مؤسسات صنعتی در آن منطقه، ساکنین بومی تحت فشار انواع

آلودگی‌ها و مشکلات ایجاد شده، محله مسکونی خود را ترک نموده و جای آنها را گروه‌های کارگری و یا تأسیسات صنعتی اشغال نماید (Gist and others, 1977: 213). تغییر و آسیب‌های اجتماعی را می‌توان از جمله مهمترین پیامد ناشی از هجوم اکولوژیکی جمعیت جوان دانست. (روشه، ۱۳۷۰: ۲۷). آسیب‌های اجتماعی، آن دسته از پدیده‌های رفتاری خارج از هنجارهای پذیرفته شده جامعه‌اند که در نتیجه نابسامانی‌های اقتصادی - اجتماعی و ناهنجاری‌های فرهنگی - تربیتی و شرایط نامناسب زندگی بروز می‌کنند. (Herzog, 2009). میزان وقوع جرائم اجتماعی با درجه توسعه شهرنشینی در ارتباط است. از جمله عوامل مؤثر بر افزایش میزان وقوع جرائم و آسیب‌های اجتماعی می‌توان به سطح سواد و تحصیلات، تعداد متولدین غیربومی (مهاجرین)، میزان بیکاری، میزان مهارت‌های شغلی و حرفه‌ای، نسبت مردان مجرد در ترکیب کلی جمعیت و غیره اشاره نمود (شکویی، ۱۳۷۲: ۱۰۳). طبق تحقیقات صورت گرفته، به‌طور کلی میزان وقوع جرائم و آسیب‌های اجتماعی در میان گروه‌های زیر بالاتر می‌باشد:

- گروه سنی جوان: بویژه در سنین زیر ۲۰ سال؛
- جنس مذکر: بیش از ۹۰ درصد مجرمین و متهمین جرائم از جنسیت مرد هستند؛
- طبقات پایین اجتماعی: اغلب مجرمین و متهمین جرائم را کارگران غیر ماهر و یا کم مهارت تشکیل می‌دهند؛
- احساس بیگانگی ساکنین غیربومی نسبت به جامعه محلی می‌تواند زمینه‌ساز حس دشمنی و عداوت و نتیجتاً منجر به بروز خشونت گردد؛
- تغییر مداوم در ترکیب جمعیتی (مهاجر غیر بومی)، باعث عدم تجانس و حذف بخش وسیعی از روابط اجتماعی گردیده که نتیجتاً مانع شکل‌گیری ساخت اجتماعی و در نهایت گسستگی تعهدات اجتماعی و زمینه بروز آسیب‌های شود (Murray and others, 1976: 146).

معرفی بخش عسلویه و منطقه ویژه پارس جنوبی

بخش عسلویه، یکی از تقسیمات درونی شهرستان کنگان، متعلق به استان بوشهر است و محدوده جغرافیایی این بخش در منتهی‌الیه جنوب شرقی شهرستان کنگان و استان بوشهر می‌باشد. این بخش متشکل از دو نقطه شهری به نام‌های بندر عسلویه و بندر نخل تقی و نیز تعداد ۲۲ نقطه

روستایی می‌باشد (تصویر شماره ۱).



شکل ۱: موقعیت استان بوشهر، شهرستان کنگان و بخش عسلویه

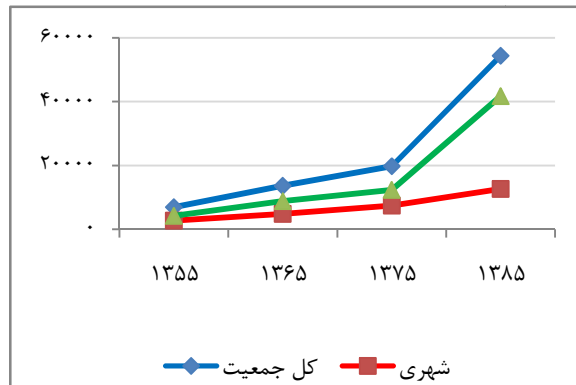
منطقه ویژه اقتصادی پارس جنوبی، با استقرار در بخش عسلویه (محدوده مورد مطالعه) و تخصیص حدود ۱۴ هزار هکتار از اراضی این بخش به فعالیتهای صنعتی خود، در تحقیق حاضر بعنوان منشأ تغییرات ایجاد شده، مورد بررسی قرار گرفته است. این منطقه بر روی نوار ساحلی به طول حدود ۳۵ کیلومتر در شهرستان کنگان و بخش عسلویه توسعه داده شده است؛ که از شمال به رشته کوههای بلند و از جنوب به خلیج فارس محدود می‌شود. پهنای این نوار ساحلی در بخش غربی کمتر از یک کیلومتر است که بتدریج به سمت شرق افزایش یافته و در قسمت میانی به حدود ۶ کیلومتر می‌رسد. این نوار ساحلی در شرق به دره رودخانه گاوبندی با پهنای حدود ۱۰ کیلومتر می‌پیوندد (مهندسین مشاور تهران- بوستن، ۱۳۸۳، ۱-۳).

بحث و یافته‌های اولیه تحقیق

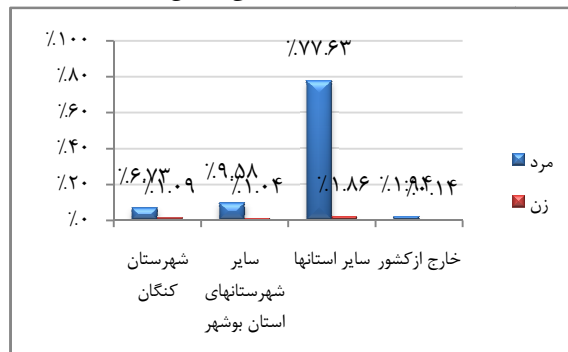
تحولات جمعیتی - اجتماعی بخش عسلویه (شهری - روستایی)

بخش عسلویه در سرشماری ۱۳۸۵ به عنوان یک بخش مستقل شامل دو دهستان عسلویه و نای بند و دو شهر عسلویه و نخل تقی بوده است. در سرشماری قبلی، بخشی به نام بخش عسلویه وجود ندارد. به منظور بررسی روند تغییرات جمعیتی عمل انطباق و مقایسه مراکز سکونتی

موجود این بخش در سال ۱۳۸۵، با همین مراکز در سرشماری‌های قبلی انجام پذیرفته است. طی دهه‌های ۱۳۵۵-۱۳۸۵ جمعیت بخش حدوداً ۸ برابر و جمعیت شهری و روستایی به ترتیب ۴.۸۷ و نزدیک به ۱۰ برابر شده است. همانگونه که نمودار شماره ۱ نشان می‌دهد تغییرات بخش بیشتر تحت‌تأثیر تغییرات در جمعیت روستایی آن قرار گرفته است. مقایسه نرخ رشد جمعیت شهری (با ۵/۵ درصد) و روستایی (با ۱۲/۹۶ درصد) در دهه ۱۳۸۵-۱۳۷۵ نشانگر این تأثیر می‌باشد.



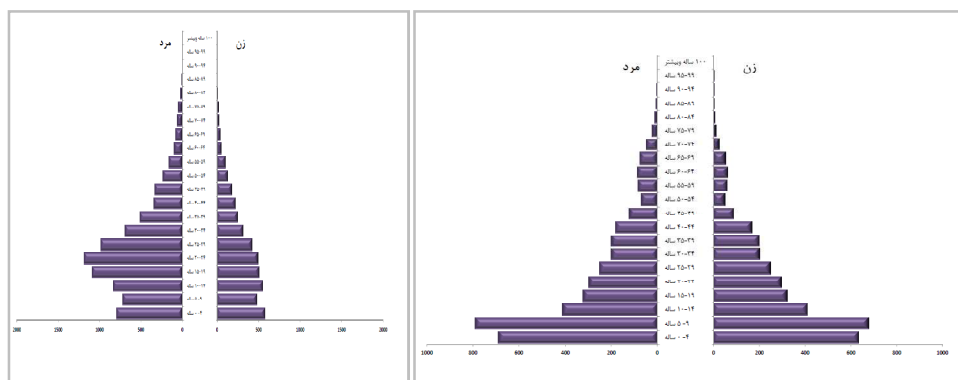
نمودار ۱: تحولات جمعیتی بخش عسلویه



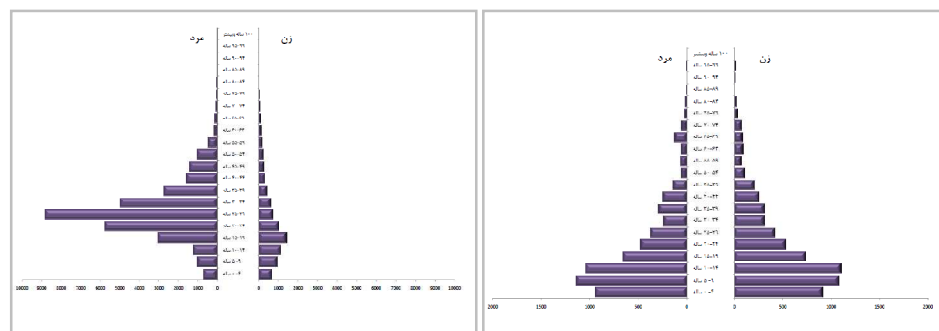
نمودار ۲: مبدا مهاجران وارد شده به بخش عسلویه ۱۳۷۵-۱۳۸۵

بی‌تردید عامل این چنین افزایشی ورود جمعیت مهاجر (غیر از جمعیت مناطق ویژه پارس جنوبی) به این بخش می‌باشد. به‌طوریکه در دهه ۱۳۷۵-۱۳۶۵ مهاجرین وارد شده ۳۰/۷۱ درصد از کل جمعیت را به خود اختصاص داده است. در حالیکه در دهه ۱۳۸۵-۱۳۷۵ از کل جمعیت افزوده شده به بخش ۹۱/۲۰ درصد سهم مهاجرین وارده شده بوده است. در همین

مقطع نسبت جنسی مهاجران ورودی به بخش عسلویه از ۴۸۳ به ۲۳۲۳ درصد افزایش یافت. بررسی مبدأ مهاجرتها در دهه‌های ۱۳۸۵-۱۳۶۵ در تائید این ادعا می‌باشد. به‌طوریکه از تعداد مهاجرینی که در دهه ۱۳۷۵-۱۳۶۵ به این بخش وارد شده‌اند، ۶۱ درصد به مهاجرین خارج از استان بوشهر، ۲۲ درصد درون شهرستانی (شهرستان کنگان) و بقیه به سایر شهرستانهای استان بوشهر اختصاص داشته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵). در فاصله سالهای ۱۳۷۵-۱۳۸۵ سهم مهاجرتهای برون استانی ۷۹ درصد و مهاجرتهای درون استانی و درون شهرستانی به ترتیب ۱۱ درصد و ۸ درصد بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). نمودار شماره ۲ مهاجرتهای بخش عسلویه و مقصد این مهاجرتها در فاصله ۱۳۷۵-۱۳۸۵ را نشان می‌دهد که ۸۲.۶۵ درصد از کل مهاجران ورودی به بخش عسلویه به دهستان عسلویه وارد گردیده‌اند. این رقم می‌تواند بیانگر تغییر و دگرگونی شدید بافت اجتماعی دهستان عسلویه باشد؛ چرا که تنها ۱۶.۶ درصد جمعیت را بومیان روستایی تشکیل می‌داده‌اند. در برهم خوردن تعادل جنسی جمعیت (۹۰ درصد مهاجرین ورودی به دهستان عسلویه را مردان تشکیل می‌داده‌اند) و تقابلهای فرهنگی - اجتماعی قابل ذکر هستند. ورود جمعیتی با فرهنگها و آداب و رسوم متنوع به یک بافت روستایی همگن سستی، مسائلی نظیر احساس نامنی، بی‌اعتمادی و خطر در میان بومیان، و احساس بیگانگی و عدم تعلق به مکان، و بروز رفتارهای ناهنجار در میان غیربومیان نشانگر تغییرات ایجاد نموده است. مقایسه هرم‌های سنی و جنسی نقاط شهری و روستایی طی سالهای ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ نشانگر تغییرات شدید و محرکی در بروز پاره‌ای از آسیبهای اجتماعی می‌باشد (نمودارهای ۳ و ۴).



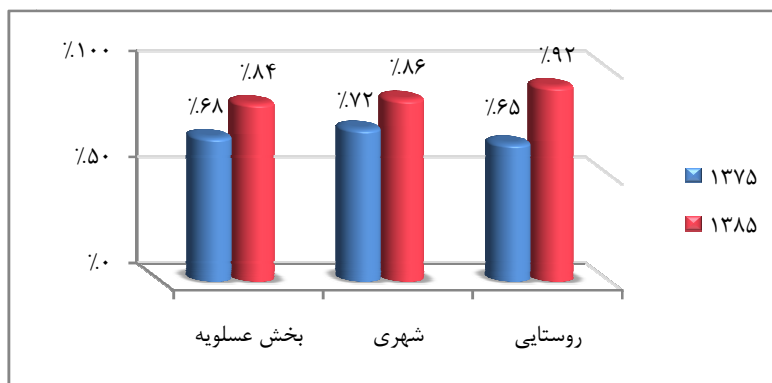
نمودار ۳: هرم‌های سنی - جنسی جمعیت شهری بخش عسلویه ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵



نمودار ۴: هرم سنی - جنسی جمعیت روستایی بخش عسلویه ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵

نسبت جنسی در کل جمعیت بخش عسلویه در فاصله سالهای ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ به شدت دچار تغییر گردیده و با افزایش ۲۳۰ درصدی همراه بوده است. این افزایش در میان گروههای سنی ۱۵ تا ۴۵ ساله بسیار قابل توجهتر می باشد؛ به طوری که به میزان تقریبی ۵۰۰ درصد رسیده است. بنابراین می توان نتیجه گرفت جمعیت مهاجر ورودی به بخش عسلویه را به طور عمده مردان و در گروههای سنی کار و فعالیت (۱۵ تا ۴۵ ساله) تشکیل می دهند. عدم توازن جنسیتی با شدتی کمتر در نقاط شهری و با شدتی بیشتر در نقاط روستایی قابل مشاهده است. از دلایل عمده ایجاد چنین وضعیتی، احتساب جمعیت حاضر در منطقه ویژه پارس جنوبی به عنوان نقاط روستایی بخش عسلویه و احداث کمپهای کارگری در نواحی روستایی بوده است. (سازمان منطقه ویژه اقتصادی پارس، ۱۳۸۸).

از مطالب فوق می توان دریافت که بخش عسلویه به دلیل استقرار منطقه ویژه پارس جنوبی، بویژه در مراحل اولیه احداث و راه اندازی، به دلیل نیاز فراوان به نیروی کار انسانی به ویژه غیرماهر و نیمه ماهر به یک مقصد مهاجرتی قابل توجه، برای جویندگان شغل تبدیل گردید. از تغییرات دیگری که در ویژگیهای اجتماعی بخش عسلویه طی ۱۳۷۵ - ۱۳۸۵ اتفاق افتاده است. رشد ۱۶ درصدی در باسوادان به ویژه در جمعیت روستایی بوده است (نمودار ۵) که نشانگر تأثیرپذیری بیشتر نقاط روستایی نسبت به نقاط شهری از ورود مهاجرین می باشد.



نمودار ۵: تغییرات نرخ باسوادی در جمعیت بخش عسلویه (۱۳۷۵ - ۱۳۸۵)

ماخذ: بر اساس اطلاعات سرشماری‌های سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵ مرکز آمار ایران

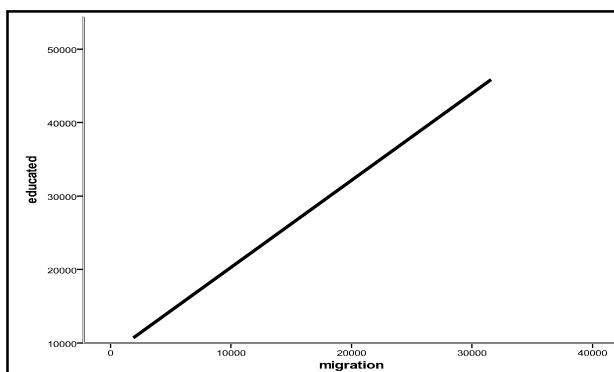
از دلایل اصلی این چنین افزایشی بالا بودن سطح سواد مهاجرین وارد شده نسبت به جمعیت بومی است ارتباط میان این دو متغیر در قالب ماتریس همبستگی و تابع رگرسیون خطی زیر نمایش داده شده است (جدول و نمودار ۱ و ۶).

جدول ۱: ماتریس ضرایب همبستگی میان متغیرهای تعداد مهاجر ورودی و تعداد باسوادان بخش عسلویه (شهری - روستایی)

مهاجر ورودی	باسوادان روستایی	باسوادان شهری	باسوادان	
۰.۹۹۱ Sig = 0.007	۰.۹۹۹ Sig = 0.005	۰.۹۷۸ Sig = 0.021	۱	باسوادان
۰.۹۴۱ Sig = 0.043	*	۱		باسوادان شهری
۰.۹۹۶ Sig = 0.006	۱			باسوادان روستایی
۱				مهاجر ورودی

شرح: محاسبات بر اساس اطلاعات سه دوره سرشماری ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ انجام شده است.

از رقم بالای همبستگی محاسبه شده (نزدیک به ۱) به روشنی می‌توان دریافت که افزایش نرخ باسوادی در میان جمعیت بخش عسلویه، وابستگی بسیار زیادی به ورود جمعیت مهاجر (بویژه باسواد) به آن، داشته است. رابطه مذکور در رگرسیون خطی زیر نمایش داده شده است.



نمودار ۶: نمایش ارتباط میان مهاجرت و نرخ باسوادی در جمعیت بخش عسلویه

در کل می‌توان نتیجه گرفت که افزایش نرخ باسوادی جمعیت بخش عسلویه و به‌طور خاص جمعیت روستایی آن را نمی‌توان به معنای بهبود وضعیت آموزش در این منطقه دانست؛ بنابراین نگرش صرفاً آماری به ویژگی‌های جمعیت در برنامه‌ریزی‌ها، می‌تواند به محرومیت بیشتر این قبیل مناطق منجر گردد.

آسیب‌های اجتماعی در بخش عسلویه

بی‌تردید تغییرات جمعیتی و اجتماعی ناشی از هجوم جمعیت مهاجر به محدوده مورد مطالعه را می‌توان عامل و زمینه‌ساز بروز تعدادی از آسیب‌های اجتماعی و ناهنجاریهای زیر که نه تنها در میان مهاجرین بلکه، ساکنین محدوده مورد مطالعه مشاهده شده است دانست:

- رفتارهای مجرمانه نظیر سرقت، درگیری فیزیکی و انحرافات جنسی و اخلاقی؛
- تنش‌های اجتماعی، عدم سازگاری و انطباق، و بروز رفتارهای ضد اجتماعی؛
- اعتیاد به مواد مخدر و پایین آمدن سن اعتیاد؛
- پرخاشجویی، درگیری‌های زبانی و فیزیکی، خودزنی و خودکشی.

نتایج پرسشگری صورت گرفته از سرپرستان خانوارهای محدوده مورد مطالعه (۱۳۸۹) مشاهدات فوق را نیز تأیید می‌نماید؛ به نحوی که از مجموع نمونه‌های مورد بررسی، ۴۷ درصد به افزایش نرخ بیکاری، ۲۱ درصد به افزایش میزان اعتیاد به مواد مخدر، ۱۲ درصد به کاهش میزان امنیت اجتماعی، ۱۲ درصد به تضعیف و از بین رفتن روابط اجتماعی و خانوادگی، ۵ درصد به مسائل

و مشکلات قومی و قبیله‌ای و ۳ درصد به افزایش جرمی نظیر سرقت، ناامنی و غیره به‌عنوان مهمترین مسائل و مشکلات اجتماعی ایجاد شده در پی توسعه صنعتی منطقه ویژه پارس جنوبی اشاره نموده‌اند (جدول شماره ۲).

جدول ۲: آسیب‌های اجتماعی ایجاد شده در بخش عملویه (درصد)

دوم	اول	درجه اهمیت نوع مشکلات
۱۲	۱۲	کاهش امنیت اجتماعی
۱۴	۲۱	افزایش اعتیاد به مواد مخدر
۶	۳	افزایش میزان بی‌اعتمادی و دزدی
۱۰	۰	مسائل و مشکلات اخلاقی و فساد
۱۶	۴۷	افزایش میزان بیکاری
۶	۵	مسائل و مشکلات قومی (دودستگی اجتماعی)
۹	۱۲	تضعیف روابط خانوادگی و فAMILI
۲۷	۰	بی‌پاسخ
۱۰۰	۱۰۰	جمع

ماخذ: بر اساس آمارگیری نمونه‌ای در بخش عملویه

یافته‌های ثانویه

با توجه به اهمیت پی‌بردن به تأثیر فعالیتهای ناشی از تأسیس پارس جنوبی در پایداری و ناپایداری اجتماعی بخش عملویه اقدام به ارزیابی و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده در این راستا گردید.

وضعیت پایداری اجتماعی

برای سنجش وضعیت پایداری تعداد ۳۷ شاخص در بعد اجتماعی (مؤلفه اجتماعی) بخش عسلویه تعریف شده است. کلیه شاخص‌های مذکور، پس از محاسبه مقادیر واقعی در هر دو مقطع قبل و بعد از توسعه پارس جنوبی، برای هر یک از سکونتگاههای مورد مطالعه، با استفاده از روش نرمال‌سازی و هم‌جهت‌سازی، به صورت مقادیر مابین صفر تا یک در آمده‌اند. سپس مقادیر نرمال و هم‌جهت شده، در نرم‌افزار SPSS ثبت شده و فرایند تحلیل عاملی بر روی آنها انجام شده است. به این ترتیب، ۳۷ شاخص تعریف شده، به ۳ عامل اجتماعی تجمیع شده‌اند. عامل‌های استخراج شده با استفاده از روش امتیاز عامل ترانسفورم شده و به صورت جداگانه تلفیق شده و عامل اجتماعی (مؤلفه اجتماعی) از آنها استخراج شده است (جدول شماره ۳).

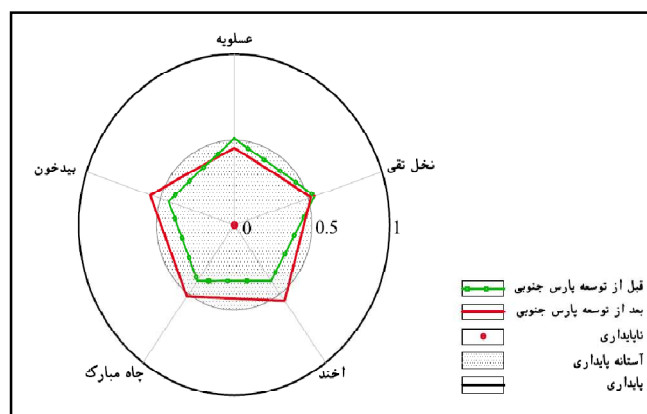
جدول ۳: امتیاز عامل اجتماعی (مؤلفه اجتماعی) قبل و بعد از توسعه پارس جنوبی

شرح	امتیاز عامل اجتماعی قبل از توسعه پارس جنوبی	امتیاز عامل اجتماعی بعد از توسعه پارس جنوبی
عسلویه	۰.۵۱۱۴	۰.۴۵۵۰
نخل تقی	۰.۵۴۴۴	۰.۵۴۲۹
اخذ	۰.۴۰۲۹	۰.۵۵۰۶
بیدخون	۰.۴۴۲۹	۰.۶۳۳۰
چاه مبارک	۰.۴۰۳۶	۰.۵۱۵۴

ماخذ: نگارندگان: ۱۳۹۰

مقایسه ارقام بدست آمده نشانگر کاهش در امتیاز عامل اجتماعی در مراکز شهری (عسلویه و نخل تقی) در مقطع زمانی بعد از توسعه پارس جنوبی نسبت به قبل از آن است، در حالیکه در نقاط روستایی (اخذ، بیدخون و چاه مبارک) مقادیر اندکی از افزایش را نمایش می‌دهد (بویژه در روستای بیدخون) در کل مقادیر بدست آمده برای مؤلفه اجتماعی در هر دو مقطع زمانی، بسیار نزدیک به حد آستانه ناپایداری تعریف شده (۰.۵) است. در حقیقت وضعیت مؤلفه اجتماعی در نقاط شهری بخش عسلویه به سمت ناپایداری و در نقاط روستایی اندکی به سمت پایداری، حرکت نموده است (نمودار ۷). با توجه به شاخص‌های بکار رفته در فرایند تحلیل

عاملی مؤلفه اجتماعی و درصد نمایش واقعیت هر یک از عوامل استخراج شده، هر گونه تغییری در مقدار شاخص‌های بکار رفته، می‌تواند در حرکت مؤلفه اجتماعی به سمت پایداری و یا ناپایداری سهم داشته باشد. به‌عنوان مثال اگر نرخ رشد جمعیت، یا نسبت جمعیت مهاجرین و یا مقدار عددی نسبت جنسی (که تأثیر منفی در پایداری دارند) افزایش یابد، وضعیت مؤلفه اجتماعی بخش عسلویه به سمت ناپایداری حرکت خواهد نمود. در مقابل چنانچه بر نرخ با سواد، نرخ با سواد زنان و یا تعداد پزشک به ازای هر نفر از جمعیت (تأثیر مثبت در پایداری) افزوده گردد، مؤلفه اجتماعی به سمت پایداری حرکت خواهد نمود.



نمودار ۷: پایداری اجتماعی بخش عسلویه

قبل و بعد از توسعه پارس جنوبی (در سکونتگاههای مورد مطالعه)

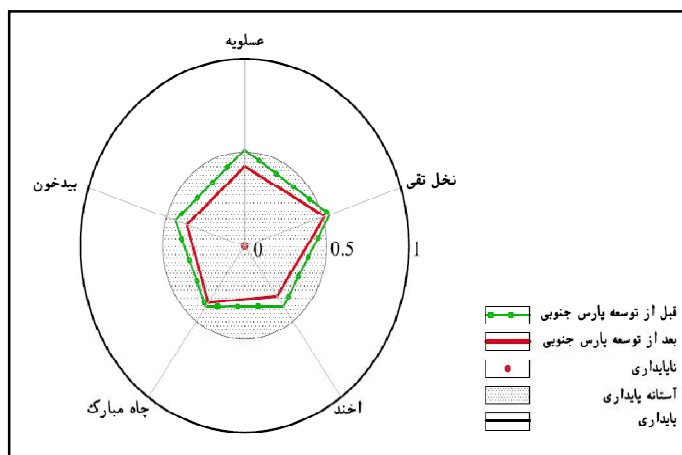
با توجه به ارقام مندرج در جدول شماره (۴)، مشاهده می‌شود که مساحت پلی‌گون‌های تشکیل شده در نمودار (RADAR) سنجش پایداری مؤلفه اجتماعی بخش عسلویه، در هر دو مقطع زمانی، در محدوده آستانه ناپایداری قرار گرفته است. از طرفی افزایش مساحت پلی‌گون بعد از توسعه پارس جنوبی، نسبت به مقطع قبل از آن، افزایش اندکی داشته است که نشانگر حرکت مؤلفه اجتماعی تا حدودی به سمت وضعیت پایداری است اما از آنجائی‌که قبلاً نیز اشاره شد که سهم بالای مهاجرین (بیش از ۵۸ درصد) و ویژگیهای جمعیتی آنها عامل تغییرات در ویژگیهای اجتماعی بخش عسلویه بوده است. بنابراین می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که حرکت مؤلفه اجتماعی به سمت وضعیت پایدارتر می‌تواند خود جلوه‌ای از ناپایداری باشد.

جدول ۴: مساحت پلی‌گون‌های تشکیل شده در نمودار سنجش پایداری اجتماعی

شرح	مساحت		
	ناپایدار	آستانه	پایدار
مقادیر قراردادی	۰	۰.۷۸۵	۳.۱۴
قبل از توسعه پارس جنوبی	-	۰.۵۰۶۷۵	-
بعد از توسعه پارس جنوبی	-	۰.۶۴۵۷۷	-

ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۰

بر این اساس امتیاز عامل اجتماعی در مقطع زمانی بعد از توسعه پارس جنوبی، با حذف جمعیت مهاجر از کل جمعیت بخش به سمت ناپایداری بیشتری گرایش یافته است. موقعیت استقرار پلی‌گون‌های تشکیل شده در نمودار (RADAR) مؤلفه اجتماعی بخش عسلویه، و محاسبه مساحت آنها این وضعیت را نیز اثبات می‌نماید (نمودار شماره ۸).



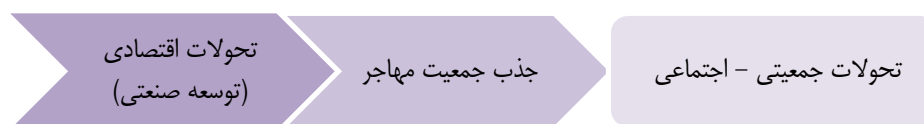
نمودار ۸: پایداری اجتماعی بخش عسلویه قبل و بعد از توسعه پارس جنوبی (در سکونتگاه‌های مورد مطالعه) (بدون احتساب جمعیت مهاجر ورودی)

جدول ۵: مساحت پلی‌گون‌های تشکیل شده در نمودار سنجش پایداری اجتماعی بخش عسلویه (بدون احتساب جمعیت مهاجر ورودی)

شرح	مساحت		
	ناپایدار	آستانه	پایدار
مقادیر قراردادی	۰	۰.۷۸۵	۳.۱۴
قبل از توسعه پارس جنوبی	-	۰.۵۰۶۷۵	-
بعد از توسعه پارس جنوبی	-	۰.۳۸۵۷۸	-

ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۰

در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که تعداد و ویژگی‌های جمعیت مهاجر به بخش عسلویه وضعیت مؤلفه اجتماعی را به طرز غیرواقعی به سوی پایداری سوق داده است. از آنجا که تحقیق حاضر به دنبال اثبات نقش و تاثیر توسعه صنعتی منطقه ویژه پارس جنوبی بر تحولات جمعیتی - اجتماعی بخش عسلویه نیز می‌باشد، بنابراین ضروریست که ارتباط ذیل بین متغیرهای مورد بررسی، به آزمون گذارده شود (شکل شماره ۲).



شکل ۲: نمایش فرضیات تحقیق

در این ارتباط از روش تحلیل عاملی برای تلفیق متغیرهای مذکور استفاده شده است. به منظور آزمون فرضیات تحقیق، ماتریس همبستگی (پیرسون) میان عاملهای استخراج شده اقتصادی، جمعیتی - اجتماعی و نیز جمعیت مهاجر به عنوان عامل واسطه ایجاد تغییرات، تشکیل شد (جدول شماره ۶).

جدول ۶: ماتریس ضرایب همبستگی (پیرسون) میان عامل‌های اقتصادی، جمعیتی - اجتماعی و جمعیت مهاجر ورودی

عامل اقتصادی	جمعیت مهاجر ورودی	عامل جمعیتی - اجتماعی	
عامل اقتصادی	0.999* Sig= 0.031	0.960 Sig= 0.180	1
جمعیت مهاجر ورودی	1	0.996* Sig= 0.036	
عامل جمعیتی - اجتماعی		1	

* Correlation is significant at the 0.05 level (2-tailed).

با توجه به بالا بودن ضریب همبستگی محاسبه شده میان عامل اقتصادی و جمعیت مهاجر (۰.۹۹۹) که بالاترین میزان را در بین ضرایب همبستگی نمایش می‌دهد. می‌توان گفت که تأسیس منطقه ویژه پارس جنوبی با ایجاد تحولاتی در ویژگی‌های اقتصادی بخش عسلویه موجب جذب جمعیت مهاجر به آن شده است. از سوی دیگر، از همبستگی نسبتاً بالا بین جمعیت مهاجر و عامل جمعیت (۰.۹۹۶) می‌توان دریافت که ورود جمعیت مهاجر به بخش عسلویه (تحت تأثیر تأسیس منطقه ویژه پارس جنوبی) موجب ایجاد تغییر و تحولاتی در ویژگی‌های جمعیتی - اجتماعی بخش عسلویه گردیده است (که پیشتر به این تغییرات اشاره شد).

نتیجه‌گیری

این مقاله با تحلیل داده‌های جمعیتی نقاط شهری و روستایی بخش عسلویه برگرفته از سرشماری‌های رسمی کشور در دو دهه ۱۳۷۵-۱۳۸۵ و ۱۳۸۵-۱۳۹۵ و گردآوری داده‌های میدانی سعی در پی بردن به آثار و پیامدهای اجتماعی ناشی از تغییرات جمعیتی در مقاطع زمانی مذکور داشته است. هدف عمده در این راستا پی بردن به اثرات توسعه این صنایع عظیم در پایداری اجتماعی محدوده‌های مورد مطالعه بوده است. چرا که انتظار منطقی از تأسیس این چنین تأسیسات عظیمی در مقیاس محلی پایداری اجتماعی مراکز جمعیتی پیرامونی آن است. یافته‌های اولیه تحقیق نشانگر تأثیر تأسیسات مذکور، با ایجاد فرصت‌های شغلی فراوان (به‌ویژه برای نیروی انسانی نیمه‌ماهر و غیرماهر) در تبدیل بخش عسلویه به یک مقصد عمده مهاجرپذیر می‌باشد که به تبع آن عدم تعادل‌های جمعیتی - اجتماعی به ویژه در نسبت جنسی، ساختار جمعیت و

سطح سواد و ... بروز ناهنجاریها را به دنبال داشته است. یافته‌های ثانویه که از طریق تحلیل شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی با احتساب جمعیت مهاجر و ویژگیهای آن با استفاده از روش ضریب همبستگی و تحلیل عاملی صورت گرفت نشانگر حرکت اندک به سمت پایداری به ویژه در مراکز جمعیتی روستایی می‌باشد. در حقیقت همبستگی بالا بین متغیرهای اقتصادی و جمعیت مهاجر ورودی و نیز از سوی دیگر میان جمعیت مهاجر ورودی و متغیرهای جمعیتی - اجتماعی در این محدوده به معنای آنست که مهاجرینی که به‌ویژه از نقاطی خارج از استان بوشهر به این محدوده وارد شده‌اند با داشتن ویژگی‌هایی متفاوتی نظیر سطح سواد بالاتر نسبت به جمعیت بومی، نسبت جنسی بالاتر و... بخش را با تغییراتی مواجه نموده‌اند که به تبع آن آثار و پیامدهای اجتماعی گاه‌ها به ظاهر مثبت نظیر بالا رفتن سطح سواد (به عنوان شاخصی در پایداری اجتماعی) و بیشتر منفی نظیر اعتیاد به مواد مخدر و پایین آمدن سن اعتیاد، سرقت، رفتارهای مجرمانه و... نیز ایجاد نموده است. در حالیکه تحلیل شاخص‌های اجتماعی بدون احتساب مهاجرین وارده شده به بخش عسلویه نشانگر تشدید ناپایداری اجتماعی در این بخش می‌باشد. از آنجائیکه هدف از توسعه صنعتی باید تحریک توسعه در ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی و... در سطوح مختلف به‌ویژه محلی (مراکز جمعیتی پیرامونی) باشد، توجه به پیامدهای جمعیتی - اجتماعی ناشی از فعالیتهای صنعتی پارس جنوبی از طریق بررسی مستمر و دقیق جهت کاهش پیامدهای منفی پیشنهاد می‌گردد. نباید فراموش کرد که حراست و حفظ امنیت فعالیتهای عظیمی چون پارس جنوبی در گرو توجه به پایداری اجتماعی در قالب توسعه اجتماعات محلی است.

کتابشناسی

۱. امانی، مهدی و دیگران (۱۳۵۴)؛ لغت‌نامه جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران؛
۲. پاپلی‌یزدی، محمدمحسن (۱۳۸۲)؛ نظریه‌های شهر و پیرامون، انتشارات سمت، تهران؛
۳. تودارو، مایکل (۱۳۷۰)؛ توسعه اقتصادی در جهان سوم، مترجم: غلامعلی فرجادی، سازمان برنامه و بودجه، تهران؛
۴. روشه، گی (۱۳۷۰)؛ تغییرات اجتماعی، ترجمه: منصور وثوقی، نشر نی، تهران؛
۵. زنجانی، حبیب‌الله، (۱۳۸۰)؛ مهاجرت، انتشارات سمت، تهران؛
۶. شکویی، حسین (۱۳۷۲)؛ جغرافیای اجتماعی شهرها، موسسه انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران؛
۷. صرافی، مظفر (۱۳۷۷)؛ مبانی برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای، سازمان برنامه و بودجه، تهران؛
۸. مرکز آمار ایران، اطلاعات سرشماری سال ۱۳۵۵ استان بوشهر؛
۹. مرکز آمار ایران، اطلاعات سرشماری سال ۱۳۶۵ استان بوشهر؛
۱۰. مرکز آمار ایران، اطلاعات سرشماری سال ۱۳۷۵ استان بوشهر؛
۱۱. مرکز آمار ایران، اطلاعات سرشماری سال ۱۳۸۵ استان بوشهر؛
۱۲. مهندسین مشاور تهران- بوستن (۱۳۸۳)؛ مطالعه آبهای زیرزمینی عسلویه، شرکت منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس؛
13. Thomas, A (2000), *Meanings and views of Development*,. Oxford; Oxford University Press;
14. Chant,S. and Cathy Mellwaine (2009), *Geographies of Development in the 21st Century*, UK, Edward Elgar;
15. Fik, T.J(2000), *The Geography of Economic Development*; London; Mc Graw Hill;
16. Gist. P. Noel, Sylvia Fleis Fava. (1977), “urban society”, Thomas T.C Crowell Company, p.213;
17. Herzog, B.(2009), *Discourse on Drugs and Immigration : The Social Construction of a Problem*, *Qualitative Social Research* vol. 10, No.1 Art 7 Jan.2009, University of Valencia, Spain;
18. Lawson, V (2007), *Making Development Geography*, London; Hodder Arnold;
19. Murray, R and F.W. Boal, (1976), “the social ecology of urban violence”, *social problems and the city*, Oxford University press, p.146
20. Johnston, R.J, Gregory, D: and Smith, D.M(2000), *The Dictionary of Human Geography* Oxford , Blackwell;
21. Potter, B. R., Tony Binns, Jennifer A. Elliott and David Smith(1999), *Geographies of Development*;1st edn. Singapore, Longman.
22. Wroe, M and Malcolm (2005), *The Rough Guide to a Better World*, London, [www.dfid.gov.uk/pubs/files/rough guide](http://www.dfid.gov.uk/pubs/files/rough_guide).